

بازخوانی نظریه حجیت فهم سلف بر پایه تحلیل مفهومی و مصداقی آن در آیه صدم سوره توبه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

مهدی فرمانیان*
میثم اورنگی**

۷۵

پیش

سال بیست و هشتم / شماره ۱۰۳ / بهار ۱۴۰۱

چکیده

حجیت فهم سلف اساسی‌ترین مبنای فکری سلفیه است. آنان بر این باورند که فهم سلف به دلیل عواملی مثل سلامت نفس در دریافت نصوص، قرابت با پیامبر، نزدیک بودن به زمان نزول قرآن، اسلم، اعلم و احکم از خلف است. سلفیان برای توجیه دیدگاه خود به آیات مختلفی استدلال کرده‌اند. آیه صدم سوره توبه از ادله مهم آنان بر این مدعاست. آنان با تمسک به عموم این آیه و برقراری ارتباط میان تبعیت و فهم در پی اثبات حجیت فهم سلف بر آمده‌اند. هرچند سلفی که بر تبعیت علمی و عملی خود بر آموزه‌های پیامبر پایبند مانده است دارای فضیلت است، ادعای تبعیت مطلق از آنان بدون دلیل است. استدلال به آیه صدم سوره توبه نیز با اشکالات فراوانی همچون خلط معنای عمل با فهم، عمومیت نداشتن آیه، عدم تلازم میان رضایت و حجیت فهم، مطلق نبودن معنای تبعیت و روایات دلالت کننده بر فضیلت خلف بر سلف روبه‌روست. در این مقاله سعی شده است علاوه بر تبیین مدعای سلفیان به بررسی و نقد ادله آنان پرداخته شود.

واژگان کلیدی: سلف، فهم، سلف، تبعیت، السابقون الاولون، آیه صد توبه.

* دانشیار گروه مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول). m.farmanian@chmail.ir

** دانش آموخته سطح ۳ مذاهب اسلامی مؤسسه مذاهب اسلامی حوزه علمیه قم.

misam.oangi1366@gmail.com

تقدم فهم سلف بر خلف بنیادی‌ترین مبنای فکری سلفیان است. این واژه پرتکرار در ادبیات سلفیان گویای جایگاه تأثیرگذار آن در تفکر سلفیه است. سلفیان با گسترش قلمرو فهم سلف، بسیاری از مذاهب اسلامی همچون اشاعره، معتزله و شیعه را تکفیر می‌کنند. آنان با استناد به آیات قرآن، احادیث نبوی و همچنین برخی شواهد همانند نزدیکی به عصر رسالت و اجماع علما در صدد حجیت‌بخشیدن به فهم سلف بر آمده‌اند. سلفیان معتقدند آیات متعددی در قرآن بر این مدعا دلالت دارد. یکی از ادله قرآنی سلفیان در تأیید این دیدگاه، آیه یکصدم سوره توبه است. آنان بر این باورند که مراد خداوند در آیه «السابقون الاولون من المهاجرین و الانصار و الذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه» حجیت فهم اصحاب، تابعین و پیروان تابعین است؛ در حالی که این آیه و تمامی آیاتی که سلفیان به آن تمسک می‌کنند، مدعای آنان را ثابت نمی‌کند؛ بلکه آیات فراوانی در قرآن، روایات و شواهد بسیاری در این زمینه وجود دارد که مدعای آنان را نقض می‌کند. اعطای این جایگاه به سلف، مشکلات فراوانی همچون جمود در علم و عمل، دوری از عقل‌گرایی و ظاهرگرایی افراطی را به همراه داشته است. جایگاه ویژه این بحث سبب بازتاب این تفکر در کتب سلفیه شده است. این تیمیه به عنوان نظریه پرداز این اندیشه، در کتب مختلف همچون مجموع الفتاوی، البانی در کتاب موسوعة البانی فی العقیده و کتاب دروس للشیخ عبدالعزیز بن باز به بحث تبعیت مطلق از اصحاب، تابعین و اتباع تابعین پرداخته و حجیت فهم سلف را همتراز قرآن و سنت تلقی کرده‌اند. سلیمان بن صالح الخراشی در کتاب شبهات عصرائیه مع أجوبتها، همچنین عبدالله بن عمر الدمیجی در کتاب فهم السلف الصالح للنصوص الشرعیة: حقیقه و اهمیت و حجیت و در کتاب شبهات العصرائین الاسلامیین حول اعتماد فهم السلف الصالح للنصوص الشرعیة به ادله قرآنی و روایی این موضوع پرداخته و علاوه بر حجیت مطلق فهم سلف، ترک فعل سلف را حجت دانسته است. در مقابل اندیشمندانی از اهل سنت همانند حسن بن علی السقاف در کتاب صحیح شرح العقیده الطحاویة و حسن بن فرحان مالکی در کتاب قراءه فی کتب العقائد المذهب الحنبلی نمودجاً به مقابله با این تفکر پرداخته‌اند. لذا با توجه به جایگاه و اهمیت موضوع بر آن شدیم با روشی تحلیلی - انتقادی به بازخوانی این نظریه در پرتو آیه صدم سوره توبه بپردازیم.

سلف

واژه سلف مشتق از «سین، لام، فاء» بر تقدم و سبقت دلالت دارد. به این جهت سلف در لغت به معنای «پیشینیان» است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۹۵/ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۸۵): از این رو مردم هر زمان نسبت به آیندگان سلف و نسبت به گذشتگان خلف محسوب می‌شوند (رمضان البوطی، ۱۴۰۸ق، ص ۹). این واژه در قرآن (بقره: ۲۷۵/ مائده: ۹۵/ انفال: ۳۸) و روایات (نیشابوری، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۱۹۰۴) نیز به همین معنا استعمال شده است.

سلف در اصطلاح بر دوره تاریخی خاصی دلالت دارد. در رابطه با مقطع زمانی سلف چهار نظر وجود دارد: ۱. صحابه؛ ۲. صحابه و تابعین؛ ۳. صحابه، تابعین و تابعین تابعین (دمیجی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۷)؛ ۴. مسلمانان تا قبل از قرن پنجم (محمد با عبدالله، ۱۴۱۵ق، ص ۹۹). جمهور سلفیه با توجه به حدیث عمران بن حصین که از قول پیامبر نقل شده است که فرمودند: «بهترین شما کسانی‌اند که در عهد و زمان من به سر می‌برند، سپس کسانی که بعد از آنان می‌آیند، سپس کسانی که پس از آنان می‌آیند» سلف را بر قرون ثلاثه از صحابه، تابعین و تابعین تابعین اطلاق می‌کنند (ترکی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۳/ دمیجی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۳). در اینکه مراد از سه قرن اول چه کسانی‌اند، اختلاف نظر وجود دارد. برخی مجموعه افراد سه قرن اول را در نظر دارند و منظورشان این است که هر چند در آن سه قرن افرادی منحرف زندگی می‌کردند، مجموعه افراد سه قرن اول بر هدایت و نجات بوده‌اند و فهم آنها حجت می‌باشد (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶/ محمد با عبدالله، ۱۴۱۵ق، ص ۹۹)؛ اما سلفیان قایل‌اند تک‌تک افراد سه قرن اول اسلام مد نظر هستند و منظور از برتری فهم یعنی برتری فهم تمامی افرادی که در سه قرن ابتدایی می‌باشند (عبدالمنعم سلیم، [بی تا]، ص ۱۱/ خراشی، ۱۴۳۰ق، ص ۱۶/ رمضان البوطی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰).

فهم

واژه فهم در لغت برگرفت از «فاء، هاء، میم» به معنای معرفت و علم به چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۹۵) واژه فهم در قرآن (انبیاء: ۷۹) و روایات (دارمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۸) به همین معنا استفاده شده است. این واژه مرادف با علم، تفقه و اجتهاد است

(ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۶۱/دمیجی، ۱۴۰۸ق، ص ۹). فهم در اصطلاح دلالت بر علم به معانی الفاظ، دلالت مباشر و غیر مباشر الفاظ، استنباط احکام و مفاهیم مأخوذ از نصوص دارد (دمیجی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۰).

فهم سلف

با توجه به معنای لغوی و اصطلاح «سلف» و «فهم» مراد از فهم سلف علم، تفقه و اجتهاد صحابه، تابعین و تابع تابعین از مجموع نصوص شرعی است. به باور سلفی ها قول، فعل و تقریر سلف که بیانگر فهم آنان از نصوص است، کاشف از مراد خدا و پیامبرش در مسائل علمی و عملی است (همان). معنای این کلام آن است که هر آنچه سلف از قرآن و روایات استنباط کردند، همان مراد واقعی خدا و پیامبر است و هر کسی اعتقاد یا عملی مخالف اعتقاد و عمل سلف داشته باشد، قطعاً مخالف مراد خدا و رسول است (خراشی، ۱۴۳۰ق، ص ۵۳/دمیجی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۵). سلفیان در این زمینه آن قدر دچار افراط شده اند که علاوه بر فعل، ترک فعل سلف را حجت می دانند. آنان معتقدند تمام مسائل علمی و عملی که مقتضای انجام آن وجود داشته است و سلف ترک کرده است، دارای حجت شرعی نیست و اگر کسی انجام دهد، دچار بدعت و ضلالت شده است (دمیجی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۵).

از دیدگاه سلفیه تبعیت از سلف باطناً و ظاهراً از اصول مذهب است (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ص ۳، ۱۵۷). آنان بر این باورند که فهم سلف در صورتی که مخالفی نداشته باشد، معصوم از خطاست (همان، ج ۱۳، ص ۲۴) و در کنار سایر مصادر اسلام «قرآن، سنت» حجت است (البانی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۲۱۲/بن باز، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۶/ابن قیم، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۹۰). بدین جهت آنان فهم سلف را به دلیل اینکه تنها ناقل احادیث نبوی بوده اند و عقیده خود را فقط از کتاب و سنت به دست آورده اند، اسلم، اعلم و احکم از خلف است (طرطوسی [بی تا]، ص ۶۲/ابن عثیمین، ۱۴۲۶ق، ص ۱۹).

تقریر محل نزاع

آیه صدم سوره توبه از مهم ترین آیاتی است که سلفیان برای اثبات حجیت فهم سلف به آن استدلال می کنند. خداوند در این می فرماید: «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ: و پیشروان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی پیروی شان کردند، خدا از آنان راضی است و ایشان نیز از خدا راضی اند، خداوند برای ایشان بهشت هایی آماده کرده که در دامنه آنها جوی ها روان است و تا ابد در آن جاودان اند و این خود کامیابی بزرگی است».

۷۹

نیکب

بازخوانی نظریه حجیت فهم سلف بر پایه تحلیل مفهومی و مصداقی آن در آیه صدم

استدلال به این آیه متوقف بر عموم رضایت از همه صحابه است و به روایت محمد بن کعب قرظی استناد می شود. حمید بن زیاد مدعی است نزد محمد بن کعب رفتیم و به او گفتم درباره اصحاب رسول خدا ﷺ چه می گویی؟ منظورم این بود که با آن فتنه ها که به پا کردند، خدا با آنها چه معامله ای می کند؟ او گفت: همه یاران پیامبر ﷺ اعم از نیکوکار و گناهکار بهشتی اند. گفتم این سخن را از کجا می گویی؟ این آیه را خواند: «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ...» و گفت: اما در مورد تابعین شرطی قایل شده است که باید تنها در کارهای نیک از آنان پیروی کنند و نه کارهای دیگر و در این صورت اهل نجات اند؛ ولی صحابه چنین قید و شرطی ندارند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۲۹). فخر رازی «السابقون» از مهاجرین را صرفاً به عنوان فضل تقدم در ایمان مورد تمجید قرار می دهد (همان، ص ۱۲۷). سیوطی نیز در استظهاری «السابقون» در آیه را به شرکت کنندگان در هجرت اول و کسانی که بر دو قبله نماز خواندند و نیز افراد حاضر در بیعت رضوان محدود می نماید (سیوطی، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۶۹). ابن قیم جوزیه مدعی است خداوند متعال پیروی کنندگان از صحابه را مدح کرده است. پس اگر کسی بی آنکه در پی صحت و سقم کلام صحابی باشد، آن را پذیرفته و از او پیروی کند، نزد خداوند مورد ستایش است (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۹۱). آلوسی از مفسران اهل سنت ضمن انحصار «السابقون» به بیعت کنندگان قبل از هجرت به مکه و تابعین آنها، از قول بعضی نقل می کند که همه صحابه را شامل می شود (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۸). عمرو بن عامر انصاری نقل می کند که عمر بن خطاب این آیه سوره

توبه را این طور خوانند: «و السابقون الاولون من المهاجرین و الانصار اللّٰذین اتّبعوهم بإحسان». او و او قبل از «الذین» را نخواند. مقتضای قرائت عمر این بود که سبقت و شرافت تنها و تنها مختص مهاجرین بشود و انصار تابع ایشان گردند. از عمر بن خطاب نقل شده است که به مردی رسید که «و الذین اتبعوا هم بإحسن» را به قبل آن عطف می کرد. به او گفت چه کسی به تو آموخته که این گونه قرائت کنی؟ آن مرد گفت: اُبی بن کعب. آن دو نزد اُبی رفتند و او این عطف را تصدیق کرد و دو آیه دیگر از قرآن در تأیید حرف خود برای خلیفه دوم آورد. عمر ساکت شد و گفت: فکر می کردم به ما مقامی داده شده که به هیچ کس دیگر بعد از ما داده نمی شود (سیوطی، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۶۹). همان طور که ملاحظه شد، در رابطه با این آیه تفاسیر و نظرات متفاوتی از سوی مفسران بیان شده است. در این میان سلفیان بر این باورند که اعطای مقام رضایت در آیه صدم سوره توبه به صحابه، تابعین و اتباع تابعین فضیلتی است که خداوند به هیچ کسی نداده است. آنان بر این اعتقادند که مدح در آیه دلیل بر صحت فهم تک تک سلف است؛ چراکه خداوند بدون قید، امر به تبعیت کرده است؛ از سویی به دلیل اینکه تبعیت فرع بر فهم صحیح است، عقیده و فهم آنان به صورت مطلق حجت است (دمیجی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۵). ابن قیم در رابطه با حجیت فهم سلف می گوید: در صورتی که تبعیت از سلف بدون در نظر گرفتن صحت یا عدم صحت اقوال فرد فرد سلف صورت پذیرد، دلیل بر فضیلت است که این، چیزی غیر از وجوب تبعیت محض از فهم سلف را به همراه ندارد (ابن قیم، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۹۴).

نقد و بررسی

استدلال سلفیان به این آیه برای اثبات حجیت فهم سلف با اشکالات فراوانی روبه روست که در ادامه به نقد و بررسی این دیدگاه می پردازیم:

خلط عمل با فهم

اینکه خداوند در آیه به مدح سابقین و تبعیت کنندگان از آنها پرداخته است، شکی نیست. محل

نزاع این است که خداوند در مقام مدح چه چیزی بوده است. آنچه صحیح به نظر می‌رسد این است که خداوند عملکرد مهاجرین را به دلیل هجرتشان و انصار را به دلیل یاری نمودن پیامبر در زمانی که اسلام دارای قدرت و نفوذ نبوده است، مدح و ستایش کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۲۷). بدین سبب رابطه میان عمل و فهم تساوی نیست که در صورت تأیید عملکرد آنها حجیت فهم سلف استنباط شود. مویذ این مسئله که نسبت عمل با فهم تساوی نیست، بلکه رابطه میان آنها عموم و خصوص من وجه است، این است که خداوند تبعیت را مقید به احسان «اتبوعهم باحسان» کرده و فرموده است رضایت از دو گروه را در صورتی می‌پذیرد که اوامر و نواهی او را اطاعت کرده باشند؛ همچنین می‌فرماید اگر آنها اطاعت الهی را به نحو احسن انجام دهند، سرانجام آنها بهشت ابدی خواهد بود (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۴۳۹/ سیوطی، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۶۵/ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۶). بنابراین آنچه از قرآن و سیاق آیه به دست می‌آید، این است که رضایت ناظر به عملکرد مهاجرین و انصار است و دلالتی بر حجیت فهم آنان ندارد. حال با توجه به این نکات معنای صحیح آیه این است که خداوند از مهاجرین و انصاری که در ابتدای اسلام (بدون اطلاع از آینده اسلام و قدرت گرفتن مسلمانان) ایمان آورده و پیامبر را یاری نمودند، رضایت دارد؛ همچنین رضایت خداوند شامل کسانی است که بعدها با نیت خالصانه همانند مهاجرین و انصار نخستین، اسلام را یاری نمودند. بدین جهت تکریم سلف به جهت عملکرد آنان در تأیید و یاری پیامبر است و تا زمانی که بر میثاق خود با پیامبر باقی ماندند، ستوده می‌شوند و این تکریم و ستایش ارتباطی با برتری فهم ندارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۵۰۴).

عمومیت نداشتن آیه

یکی از اساسی‌ترین اشکالات سلفیان در اثبات عقایدشان این است که دلیل قانع‌کننده‌ای از آیات و روایات بر مدعایشان اقامه نمی‌کنند و تنها به عموم آیاتی که در مدح و تکریم برخی صحابه نازل شده است، تمسک می‌کنند. آیه صد سوره توبه از جمله عموماتی است که سلفیان برای اثبات حجیت فهم سلف به آن استناد می‌کنند. آیه مورد بحث به دلیل اینکه اخص از مدعاست، قابلیت استناد ندارد؛ چراکه اولاً در آیه مبارکه «الاولون» وصف برای «السابقون» است. مفسران درباره

مفهوم «السابقون» که دلالت بر پیش گرفتن می‌کند، نزاع ندارند؛ اما درباره مصداق «السابقون الاولون» هفت نظر ارائه کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. اهل بیعت رضوان (فخر رازی، ۱۴۲۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۲۷/ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۷۸)؛ ۲. تمامی مسلمانانی که به دو قبله نماز خواندند (سیوطی، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۶۹/ فخر رازی، ۱۴۲۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۲۷)؛ ۳. شرکت کنندگان در جنگ بدر (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۴۳۴/ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۸)؛ ۴. همه صحابه‌ای که با پیامبر هم‌صحبت شدند؛ ۵. سبقت در ثواب و شهادت؛ ۶. کسانی که قبل از هجرت پیامبر اسلام آوردند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۹۱)؛ ۷. ابوبکر، عمر، عثمان، امام علی، سلمان و عمار (قشیری، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۱۸۰/ سیوطی، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۶۹).

مفسران به دلیل اینکه مصداق «السابقون الاولون» دارای اجمال بوده و مصادیق متعدد دارد، معتقدند خداوند برای رفع اجمال «السابقون الاولون» را متصف به مهاجرین و انصار کرده است؛ لذا معنای آیه پیشی‌گیرندگان اولین از مهاجرین و انصار است (فخر رازی، ۱۴۲۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۲۷). بنابراین آنچه از قرآن و سیاق آیه حاصل است، این است که «السابقون الاولون» را به هر کدام از مصادیق گفته‌شده حمل کنیم، مدعای سلفیان ثابت نیست؛ چراکه سلفیان معتقدند آیه دلالت بر حجیت فهم صحابه، تابعین و تابعین تابعین دارد؛ از این رو دلیل سلفیان اخص از مدعایشان است و باید گفت خداوند گروه خاصی از سلف را با شرایط و ضوابطی معین مدح و ستایش نموده است. نمی‌توان مدح را برای عموم سلف نتیجه گرفت.

ثانیاً اگر قبول کنیم آیه شامل تمام اصحاب و تبعیت‌کنندگان از آنهاست، نیز مدعای سلفیان عمومیت نداشته، دلیلشان اخص از مدعایشان است. سلفیان معتقدند بنا بر روایت خیر القرون (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۷۴/ نیشابوری، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۱۹۶۳) که پیامبر فرمودند بهترین مردم، مردمان قرن من هستند، سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند و سپس دیگرانی که در پی آنان می‌آیند، سلف را منحصر در سه قرن اولیه اسلام یعنی صحابه، تابعین و تابعین تابعین می‌کنند؛ این در حالی است که اگر فرض کنیم «السابقون الاولون» دربرگیرنده تمام صحابه و «الذین اتبعوهم باحسان» نیز شامل تمام تابعین شود، باز هم آیه مثبت مدعای آنها نیست؛ چراکه دربرگیرنده تابعین تابعین نیست؛ علاوه بر اینکه برخی بزرگان سلفی معتقدند آیه صد سوره توبه تنها مثبت و موجب تبعیت از صحابه است و تابعین و تابعین تابعین از این آیه خارج‌اند (ابن قیم، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۹۴).

ثالثاً اشکال بالا که خلط میان عمل و فهم است، همچنان به قوت خود باقی است؛ چراکه اگر قبول کنیم، آیه عمومیت داشته، شامل سه قرن ابتدایی یعنی صحابه، تابعین و تابعین تابعین است، نیز حجیت فهم فهمیده نمی شود؛ چراکه رضایت خداوند ناظر به عملکرد سلف است و در میان سلف افراد صالح و طالح وجود داشته است؛ بنابراین رابطه عمل و فهم تساوی نیست که در صورت رضایت از عملکرد سلف حجیت فهمشان اثبات شود. لذا آنچه با مفاد آیه سازگار است، این است که گفته شود تبعیت از صالحین از سابقین تا زمانی که بر عهد خود با پیامبر پایبند باشند، صحیح است (فرحان مالکی، ۱۴۳۰ق، ص ۳۵/سقف، ۱۴۱۶ق، ص ۶۶۹).

رابعاً مطلبی دیگری که فارق از معنای سبقت به آن بسیار احتجاج می شود، این است که «من» در آیه بیانیه است نه تبعضیه؛ لذا این گونه استنباط می کنند که خداوند فهم تمام «السابقون» را که همان صحابه هستند، حجت دانسته است (سعیدان، [بی تا]، ص ۸/ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۹۱/دمیجی، [بی تا]، ص ۴۸). این مسئله در حالی مطرح می شود که اکثر مفسران «السابقون الاولون» را بر تمامی صحابه تطبیق نداده اند؛ بنابراین «من» در آیه تبعضیه است نه بیانیه (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۲). بر فرض که «من» را بیانیه بگیریم، باز هم مثبت مدعی سلفیان در برتری فهم سلف نیست؛ زیرا شواهد تاریخی بسیاری وجود دارد که بیانگر وجود اختلاف فهم سلف با یکدیگر است (سقف، ۱۴۱۶ق، ص ۲۱۶)؛ برای نمونه می توان به جنگ جمل اشاره نمود. در جنگ جمل عایشه، طلحه، زبیر و بسیاری از سلف در مقابل امام علی علیه السلام که به اتفاق فریقین از بزرگان سلف است، قرار گرفتند. نمونه دیگری که می توان به آن اشاره نمود، تشویق کردن مردم به قتل عثمان توسط عایشه است. این قتیبه نقل می کند عایشه با عبارت «اقتلوا نعثلاً» (دینوری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۸) مردم را به قتل عثمان ترغیب می نمود و در مقابل امیرالمؤمنین علی علیه السلام در صدد منصرف کردن مردم از قتل عثمان بودند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۵۶۱). جنگ صفین نیز از همین باب است. جنگ صفین که منجر به قتل عمار صحابی پیامبر شد، معاویه در یک طرف و امام علی علیه السلام در طرف دیگر قرار داشتند (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۹۷). با توجه به این مطالب جای این سؤال باقی است که کدام گروه فهمشان درست بوده است؟ آیا فهم امام علی درست بوده است یا فهم معاویه، عایشه، طلحه و زبیر که همگی از سلف بوده اند؟

خامساً یکی از اشکالات سلفیان در اثبات عقایدشان این است که دلیل قانع کننده ای از آیات و

روایات بر مدعایشان اقامه نمی‌کنند و تنها به عموم آیاتی که در مدح و تکریم برخی صحابه نازل شده است، استدلال می‌کنند. در آیه مورد بحث نیز به همین قاعده ملتزم اند؛ این در حالی است که اگر آیه صدم سوره توبه را عام بگیریم، با آیات دیگری در قرآن تخصیص می‌خورد. از جمله آیاتی که به عنوان مخصص می‌توان بهره برد، ادامه آیه «السابقون الاولون» است. خداوند در آیه ۱۰۱ سوره توبه گروهی از منافقان را که در میان سلف بوده‌اند، ذکر کرده و می‌فرماید: «وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ؛ آگاه باشید که بعضی از اعراب مدینه منافق‌اند و بعضی از اهل شهر مدینه نیز منافق‌اند و بر این نفاق ثابت‌اند و شما از نفاقشان آگاه نیستید و ما بر سیرت این منافقان آگاه‌ایم و آنها را دو بار عذاب خواهیم کرد». همچنین در آیه ابتدایی سوره منافقون می‌فرماید: «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ؛ منافقان چون به نزد تو آیند، گویند گواهی می‌دهیم که تو پیامبر خدایی، خداوند می‌داند که تو پیامبرش هستی و خداوند گواهی می‌دهد که منافقان دروغ‌گویند». خداوند در آیه ۶۴ سوره توبه در رابطه با عده‌ای از سلف که در لباس اسلام به مسلمانان خیانت می‌کردند، به پیامبر هشدار می‌دهد: «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَخِرُوا إِنْ لِلَّهِ مَخْرَجٌ مَا تَحْذَرُونَ؛ منافقان از اینکه سوره‌ای بر ضدشان نازل شود که آنان را از اسراری که [در جهت دشمنی با خدا، پیامبر، مؤمنان و حکومت اسلامی] در دل‌هایشان وجود دارد، آگاه نماید، اظهار ترس و نگرانی می‌کنند، بگو مسخره کنید، خداوند آنچه را بیمناک و نگرانید، آشکار خواهد کرد». با توجه به آنچه از این آیات به دست آمد، بر فرض که آیه صدم سوره توبه عمومیت داشته باشد، عمومیت آن توسط آیات دیگر تخصیص می‌خورد.

تداوم در طاعت

آنچه از این آیه و سایر آیات قرآن به دست می‌آید، این است که تداوم در طاعت از دستورهای الهی عامل مدح و رضایت است. سلفی‌ها بر این باورند که آیه عام است و همین سبقت زمانی سلف بر خلف معیار و دلیل برای تبعیت و حجیت فهم آنان است. اما این مدعا رد می‌شود؛ چراکه

این آیه در حقیقت به مردم خطاب می‌کند که همانند کسانی از صحابه باشند که در ایمان به رسول خدا ﷺ از یکدیگر سبقت گرفتند؛ چراکه هم انحصار خطاب آیه به گروه کثیری چون صحابه، تابعین و اتباع تابعین به جهت عدم قرینه، خطاست و هم آنکه تأکید آیه بر رضایت خداوند به دلیل سبقت در ایمان تا هنگامی است که فرد بر همان سبیل ایمان باقی است؛ از این رو عمومیت صحابه محل تأمل است؛ زیرا «مِنْ» در آیه تبعیضیه است و شوکانی همین نظر را دارد و نمی‌توان آن را بیانیه دانست (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۲)؛ البته تبعیت از چنین صحابه نیز در گرو پایبندی ایشان بر مشی پیامبر ﷺ است.

۱. ذیل آیه صدر آن را تقیید می‌زند؛ زیرا درباره همان صحابه می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَالًّا مُّبِينًا» (احزاب: ۳۶) و این با حجیت سنت صحابه به طور مطلق منافات دارد؛ از این رو با استناد به آیه، اطاعت و متابعت صحابه تا حدی است که از خدا و رسولش نافرمانی نکنند، وگرنه اطاعت آنان لازم نیست.

۲. اگر آیه را عام در نظر بگیریم، آیات دیگری وجود دارد که در حکم تخصیص عام آیه است؛ خداوند گروهی از منافقان را که از صحابه بوده اند ذکر کرده و می‌فرماید: «وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ: آگاه باشید که بعضی از اعراب مدینه منافق اند و بعضی از اهل شهر مدینه نیز منافق اند و بر این نفاق ثابت اند و شما از نفاقشان آگاه نیستید و ما بر سیرت این منافقان آگاه ایم و آنها را دو بار عذاب خواهیم کرد» (توبه: ۱۰۱).

۳. این آیه اخص از مدعاست؛ زیرا تنها مربوط به سابقین از صحابه اهل اطاعت و انقیاد است نه عموم صحابه. علامه طباطبائی معتقد است: «اگر خداوند متعال صحابه را در آیه‌های قرآن مدح کرده و از آنان اظهار رضایت نموده است، به جهت انقیاد و اطاعت آنها از خداوند در احکام و تعالیم شریعت و کارهای نیکی است که در گذشته انجام داده‌اند؛ اما این رضایت را نمی‌توان به آینده زندگانی و اعمال آنان نیز سرایت داد؛ به این معنا که هر چه می‌خواهند انجام دهند - هر چند خلاف باشد - خدا از آنان راضی است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۵۰۴/ علم الهدی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۸۸)؛ لذا باید معنایی از سبقت ارائه کرد که منحصر در سبقت در اسلام نباشد؛ چراکه در آیات فراوانی همچون آیه «قُلْ لَمْ تُوْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا» (حجرات: ۱۴) یا آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اَمْنُوا» (نساء: ۱۳۶) و آیات دیگر نه تنها سبقت در اسلام ملاک نیست، بلکه خداوند افرادی را که تنها اسلام آورده‌اند، سرزنش می‌کند.

مراد از تبعیت

تبعیت مورد نظر در آیه را می‌توان به سه نوع تبعیت حمل کرد: ۱. تبعیت و اقتدا در اعمال حسن؛ ۲. تبعیت از اهل ایمان سلف؛ ۳. تبعیت در استقامت و راهی که سلف با تحمل سختی‌ها سیر کردند. از هیچ کدام از این سه معنا، لزوم تبعیت از فهم سلف اثبات نمی‌شود. نهایت چیزی که می‌توان از تبعیت سلف به دست آورد، تبعیت در اعمال حسن است (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۶). بر همین اساس سیوطی در ذیل این آیه می‌نویسد: «یقتدون بهمم فی أعمالهم الحسنة و لا یقتدون بهمم فی غیر ذلك: در اعمال نیک به آنان اقتدا کنید و در غیر اعمال نیک به آنان اقتدا نکنید» (سیوطی، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۷۲ / طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۴۳۷ / فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۲۹). از طرفی باید حسن و قبح عمل را از نص به دست آورد نه از فهم و عمل سلف؛ چراکه وقتی خداوند تبعیت را به عمل حسن مقید می‌کند، این تقیید دلالت دارد که از آنها عمل غیر حسن هم صادر شده است؛ لذا تنها ملاک، نصوص دین است نه فهم سلف (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۶).

علاوه بر اختلاف در مصداق تبعیت، در معنای تابعین میان علما اختلاف وجود دارد. ابن جوزی در این رابطه گفته است اگر منظور از سابقین، تمام صحابه باشند، معلوم می‌گردد که منظور از تابعین، تابعین اصطلاحی است - یعنی افرادی که بعد از صحابه‌اند - اما اگر منظور از سابقین، مقدمین از صحابه باشند، مراد از تابعین تمام کسانی‌اند که سابقه سبقت ندارند، اعم از اینکه صحابه یا غیر صحابه باشند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۹۱). برخی معنای تابعین را مطلق مسلمانان تا قیامت می‌دانند؛ یعنی هم شامل تابعین اصطلاحی و هم تمامی امت پیامبر که از اعمال حسن سابقین تبعیت کرده‌اند. ثعلبی مفسر اهل سنت در رابطه با تفسیر «اتبعوهم باحسان» می‌گوید: «الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ» یعنی «الَّذِينَ سَلَكَوا سَبِيلَهُمْ فِي الْإِيمَانِ وَالْهَجْرَةِ وَالنَّصْرَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۸۳ / سیوطی، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۷۲). برخی همچون ابن تیمیه

(ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۱۹، ص ۱۷۸)، سیوطی (سیوطی، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۷۲)، شوکانی (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۲) و ابن جریر طبری (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۷۳) همین نظر را دارند. با توجه به مطالب مطرح شده معلوم گردید که مراد از تابعین کسانی اند که از اعمال نیک و حسن سابقین تبعیت می کنند و انحصاری در تابعین بعد از صحابه (تابعین اصطلاحی) ندارد (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۲).

تفضیل خلف بر سلف

علاوه بر آیات قرآن، روایات فراوانی وجود دارد که علاوه بر تخصیص آیه فوق، در مقام فضل و برتری خلف بر سلف است. ترمذی از انس نقل می کند که پیامبر فرمود: امت من مثل باران می باشد که نمی فهمید اول آن خیر است یا آخر آن (ترمذی، ۱۹۹۸م، ج ۴، ص ۴۴۹)؛ همچنین در روایت دیگری نقل شده است که صحابه از پیامبر پرسیدند: آیا کسی بهتر از ما هست؟ فرمود: قومی بعد از شما خواهند آمد که تنها کتابی را که بین دو جلد است، می بینند و به درون محتوای کتاب و به من ایمان می آورند، در حالی که مرا ندیده اند و تصدیق می کنند آنچه را من آورده ام و به آن علم پیدا می کنند. سپس فرمود: این قوم از شما بهترند (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۸). این روایات و سایر احادیث دیگر در این زمینه نه تنها فهم سلف را به طور مطلق حجت نمی داند، بلکه نشان دهنده فضل بعضی از خلف بر برخی سلف است.

عدم تلازم میان رضایت و حجیت فهم

سلفیان دلیل حجیت فهم سلف را رضایت خداوند مطرح کرده اند. آنان بر این عقیده اند میان رضایت و حجیت فهم تلازم برقرار است. در حالی که آنچه در آیه مبارکه به عنوان علت رضایت ذکر شده است، سبقت گرفتن و اولیت است و هیچ کسی معتقد به تلازم صرف میان سبقت گرفتن و اولیت با حجیت فهم نیست. علاوه بر اینکه اگر ملاک رضایت را سبقت و اولیت بدانیم، باز هم میان رضایت الهی با حجیت فهم تلازم برقرار نیست؛ چراکه اولاً رضایت

مورد بحث در آیه، رضایت دائمی تا قیامت نیست. «السابقون» مقید به ایمان و تابعین هم مقید به تبعیت از اعمال حسن است و پرواضح است که هر کدام از این قیود منتفی شود، رضایتی که مبتنی بر آن است نیز منتفی خواهد شد.

ثانیاً بر فرض ثبوت ادعای سلفیان آیه تنها دلالت بر تبعیت دارد و مثبت حجیت فهم سلف نیست؛ به بیان دیگر در صورت اثبات تلازم میان رضایت و حجیت فهم، عمومیت و رسالت اسلام از بین می‌رود و باید اسلام را خلاصه در ۱۴۰۰ سال پیش کرد؛ در حالی که اسلام دینی است که به تفکر بسیار سفارش کرده است و برای تمامی عصرهاست؛ لذا اساس استدلال سلفیان که حجیت فهم را لازمه رضایت دائمی می‌دانند، دچار لغزش می‌شود.

ثالثاً این رضایت با سیاق خود آیه و آیات دیگر (جمعه: ۱۱ / مائده: ۶۷ / توبه: ۱۰۷ / آل عمران: ۱۴۴) سازگار نیست؛ زیرا خداوند در آیه بعد به نکوهش منافقان می‌پردازد؛ بنابراین امکان ندارد خداوند رضایت دائمی و حجیت فهم سلف را به طور مطلق تأیید کند، در حالی که در درون آنها منافقانی وجود دارد که شناخته شده نیستند؟

رابعاً در آیه مزد رضایت خداوند اعطای بهشت است که این نتیجه منحصر در سبقت و تبعیت از سابقین در اسلام نیست، بلکه وعده بهشت وعده‌ای عام است که اسباب دیگری نیز برای رسیدن به آن وجود دارد. به همین دلیل هر کجا که سخن از بهشت است، سخن از عمل صالح هم هست (بقره: ۲۵ / نساء: ۱۲۴)؛ لذا آنچه از آیه فهمیده می‌شود، این است که عده‌ای از سابقین به خاطر اسلام، ایمان و استقامتشان در این راه مستحق بهشت اند و این استحقاق بهشت تلازمی با حجیت فهم ندارد (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۸).

خامساً اگر هر کسی که مستحق وعده بهشت است، حجیت فهمش ثابت شود، باید فهم تمام مؤمنان نیز حجت باشد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا». در آیه‌ای دیگر می‌فرماید بهشت برای مؤمنان و کسانی که عمل صالح انجام می‌دهند، مقرر شده است و خداوند از آنها راضی است (بینه: ۷). بدیهی است که از این رضایت و این وعده بهشت به هیچ عنوان حجیت فهم ثابت نمی‌شود، بلکه ملاک و معیار نزد خداوند فقط عمل صالح و تقوا می‌باشد (حجرات: ۱۳). چگونه ممکن است همه صحابه مصداق جمله «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» واقع شوند و همه از آن این معنا را بفهمند، آن‌گاه خودشان از

یکدیگر راضی نباشند؛ مگر نمی‌دانستند که راضی از خدا کسی است که از هر کس هم که خدا راضی است، راضی باشد.

نتیجه‌گیری

رضایت خداوند از صحابی بدون شرط، اما رضایت از تابعین مشروط انگاشته شده است. این تفکیک مردود است؛ زیرا مفهوم این سخن اضافه فرع بر اصل است. جایی که شرط نجات تابعان و پیروان صحابه این باشد که در اعمال صالح از آنها پیروی کنند، به طریق اولی باید این شرط در خود صحابه بوده باشد؛ از این رو در این مقاله با تأکید بر آیه صدم سوره توبه، به تبیین، تقریر محل نزاع و نقد مبنای قرآنی سلفیه در حجیت فهم سلف در قرون ثلاثه یعنی اصحاب، تابعین و اتباع تابعین پرداخته و بیان گردید که این آیه انحصاری در قرون ثلاثه ندارد، بلکه تنها در مقام بیان فضیلت صالحین از صحابه است و تفسیر سلفی‌ها از آیه صدم سوره توبه به دلیل اشکالاتی همچون اخص بودن از مدعا، خلط میان فهم و عمل، تفضیل خلف بر سلف، عدم تبعیت از تمامی اعمال سلف و عدم تلازم میان رضایت و حجیت فهم دلالتی بر مرجعیت مطلق سلف ندارد.

منابع

✽ قرآن.

١. ابن تيمية حراني، احمد؛ **مجموع الفتاوى**؛ تحقيق عبدالرحمن بن محمد بن قاسم؛ مدينة: مجمع الملك فهد للطباعة المصحف الشريف، ١٤١٦ق.
٢. ابن جوزي، عبدالرحمن؛ **زاد المسير في علم التفسير**؛ تحقيق عبدالرزاق المهدي؛ ط١، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٢٢ق.
٣. ابن حجر عسقلاني احمد؛ **فتح الباري شرح صحيح البخاري**؛ بيروت: دار المعرفة، ١٣٧٩ق.
٤. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله؛ **الاستذكار**؛ تحقيق سالم محمد عطا، محمد علي معوض؛ ط١، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢١ق.
٥. ابن عثيمين، محمد بن صالح؛ **شرح العقيدة السفارينية - الدرر المضية في عقد أهل الفرقة المرضية**؛ ط١، رياض: دار الوطن للنشر، ١٤٢٦ق.
٦. ابن فارس، احمد؛ **معجم مقاييس اللغة**؛ تحقيق عبدالسلام محمد هارون؛ بيروت: دار الفكر، ١٣٩٩ق.
٧. ابن قتيبة دينوري، عبدالله بن مسلم؛ **الإمامة والسياسة**؛ تحقيق خليل المنصور؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.
٨. ابن قيم جوزيه، محمد؛ **إعلام الموقعين عن رب العالمين**؛ تحقيق محمد عبدالسلام ابراهيم؛ ط١، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١١ق.
٩. ابن كثير، اسماعيل بن عمر؛ **تفسير القرآن العظيم**؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق.
١٠. ابن منظور، محمد بن مكرم؛ **لسان العرب**؛ ط٣، بيروت: دار صادر، ١٤١٤ق.
١١. آلوسى، محمود؛ **روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني**؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
١٢. الباني، ناصرالدين؛ **موسوعة الباني في العقيدة**؛ ط١، صنعاء: مركز النعمان للبحوث والدراسات الاسلامية، ١٤٣١ق.

١٣. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح بخاری؛ تحقیق محمد زهیر بن ناصر؛ ط١، [بی جا]، طوق النجاة، ١٤٢٢ق.
١٤. بلاذری، احمد؛ أنساب الأشراف؛ تحقیق سهیل زکار و ریاض الزرکلی؛ ط١، بیروت: دار الفکر، ١٤١٧ق.
١٥. بن باز، عبدالعزیز؛ دروس للشیخ عبدالعزیز بن باز؛ [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
١٦. ترکی، عبدالله بن عبدالمحسن؛ مجمل اعتقاد ائمه السلف؛ ط٢، السعودیه: وزارت الشئون الاسلامیه و الاوقاف و الدعوه و الارشاد، ١٤١٧ق.
١٧. ترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن ترمذی؛ تحقیق بشار عواد معروف؛ بیروت: دار الغرب الإسلامی، ١٩٩٨م.
١٨. ثعلبی، احمد؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن؛ تحقیق الامام ابی محمد بن عاشور؛ ط١، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ١٤٢٢ق.
١٩. خراشی، سلیمان بن صالح؛ شبهات عصرائیه مع أجوبتها؛ ط١، ریاض: دار الوحیین، ١٤٣٠ق.
٢٠. دارمی، عبدالله؛ سنن الدارمی؛ تحقیق حسین سلیم أسد الدارانی؛ ط١، ریاض: دار المغنی للنشر و التوزیع، ١٤١٢ق.
٢١. دمیجی، عبدالله عمر؛ شبهات العصرائین الاسلامیین حول اعتماد فهم السلف الصالح للنصوص الشرعیة؛ [بی جا] [بی تا].
٢٢. —؛ فهم السلف الصالح للنصوص الشرعیة: حقیقته و أهمیته و حجیته؛ ط١، بیروت: دار الفکر، ١٤٠٨ق.
٢٣. رمضان البوطی، محمد؛ السلفیة مرحلة زمنية لا مذهب اسلامی؛ ط١، بیروت: دار الفکر، ١٤٠٨ق.
٢٤. سعیدان، راشد بن ولید؛ تذكیر الخلف بوجوب اعتماد فهم السلف لأدلة الكتاب و السنة؛ [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
٢٥. سقاف، حسن بن علی؛ صحیح شرح العقیده الطحاویة؛ ط١، عمان: دار الإمام النووي، ١٤١٦ق.
٢٦. سیوطی، عبدالرحمن؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ بیروت: دار الفکر، [بی تا].
٢٧. شوکانی، محمد بن علی؛ فتح القدیر: الجامع بین فنی الروایة و الدراية من علم التفسیر؛ ط١، بیروت: دار ابن کثیر، ١٤١٤ق.

٢٨. طباطبائي، محمد حسين؛ الميزان في تفسير القرآن؛ ج٥، قم: جامعه مدرسين حوزه علميه، ١٤١٧ق.
٢٩. طبري، محمد بن جرير (متوفى ٣١٠)؛ جامع البيان في تأويل القرآن؛ تحقيق احمد محمد شاكر؛ ج١، [بي جا]، مؤسسة الرسالة، ١٤٢٠ق.
٣٠. طرطوسي، ابوبصير؛ المنهج في الطلب و التلقى و الاتباع، در:
<http://www.abubaseer.bizland.com>.
٣١. طوسي، ابوجعفر؛ الرسائل العشر؛ قم: مؤسسه نشر اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه، ١٤١٤ق.
٣٢. عبدالمنعم سليم، عمر؛ المنهج السلفي عند الشيخ ناصرالدين الالباني؛ [بي جا]، [بي تا]، [بي تا].
٣٣. علم الهدى، على بن حسين؛ رسائل؛ تحقيق احمد حسيني؛ قم: دار القرآن الكريم، ١٤٠٥ق.
٣٤. فخرالدين رازي، محمد؛ مفاتيح الغيب؛ ط٣، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٢٠ق.
٣٥. فرحان مالكي، حسن؛ قراءة في كتب العقائد المذهب الحنبلي نموذجاً؛ اردن: الدراسات التاريخية، ١٤٣٠ق.
٣٦. قشيري، عبدالكريم؛ تفسير القشيري؛ تحقيق ابراهيم الميسوني؛ ط٢، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٤٢٨ق.
٣٧. محمد با عبدالله، محمد با كريم؛ وسطية اهل السنة بين الفرق؛ ط١، رياض: دار الرايه، ١٤١٥ق.
٣٨. نيشابوري، مسلم؛ صحيح مسلم؛ بيروت: دار الفكر، ١٤٢٤ق.